**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

در آغاز مباحث اصل اشتغال عرض کرده بودیم که در مبحث اصل اشتغال در سه مرحله باید بحث کنیم.

مرحلۀ اول يقين به تكليف و شك در مكلف‌به و دوران امر بين متباينين بود كه مباحث و تنبیهات آن گذشت.

مرحلۀ دوم و سوم در دوران امر بین اقل و اكثر است یا استقلالي و یا ارتباطي

براي توضيح محل نزاع چند نكته را باید اشاره کنيم و بعد وارد مرحلۀ دوم و سوم شویم.

**نکتۀ اول:** در مجاری اصول عملی فراوان این مطلب به این صورت عنوان می‌شود که انسان يا عالم به تکلیف است يا شاک و جاهل است. اگر شاك بود مورد یا حالت سابقه دارد یا ندارد اگر حالت سابقه نداشت برائت جاري است. اگر حالت سابقه داشت استصحاب جاري است. اگر عالم به تكليف است گاهي عالم به مكلف‌به هم است دیگر هیچ تردید ندارد علم دارد نماز واجبی دارد امروز و آن نماز واجبش هم جمعه است نه ظهر، علم به تکلیف و علم به مکلف‌به، این مباحث قطع است که در مباحث قطع آثارش بحث می‌شود. گاهی علم به تکلیف است و شک و تردد در مکلف‌به است، در این صورت گاهی احتیاط ممکن نیست می‌شود دوران امر بین محذورین و اصل تخییر جاری است و گاهی یقین به تکلیف شک در مکلف‌به احتیاط ممکن است مورد اصل اشتغال است. این یک نگاه که اینگونه تقسیم می‌کنند.

همین محققین که این تعبیر را دارند همینان در بحث اصل اشتغال در تبیین مسأله می‌گویند اگر یقین به تکلیف داشتی و شک در مکلف‌به احتیاط هم ممکن بود سه قسم تصویر می‌شود گاهی دوران امر بین متباینین است احتیاط واجب است و گاهی اقل و اکثر استقلالی است نسبت به اکثر برائت جاری است و گاهی اقل و اکثر ارتباطی است اختلاف است بعضی می‌گویند نسبت به اکثر احتیاط کنید و بعضی می‌گویند برائت جاری کنید. ممکن است به ذهن بیاید که این یک تناقض است، در وقتی مجرای اصول عملی را می‌گویند، می‌گویند اگر یقین به تکلیف داشتی و شک در مکلف‌به داشتی و احتیاط ممکن بود مجرا اصل اشتغال است. در اصل اشتغال وقتی می‌خواهند توضیح بدهند، می‌گویند اگر یقین به تکلیف داشتی و شک در مکلف‌به داشتی، احتیاط هم ممکن بود سه قسم تصویر می‌شود در یک قسمش احتیاط واجب است و در یک قسمش برائت جاری است و در یک قسمش اختلاف است، این تناقض نیست این را محفوظ بدارید در نکتۀ سوم جواب می‌دهیم که تناقض نیست و یک نگاه خاصی است.

**نکتۀ دوم:** تفاوت بین این سه قسم (متباینین، اقل و اکثر ارتباطی و اقل و اکثر استقلالی) چیست؟

**توضیح مطلب:** گاهی دو طرف شک و دوران، قابل اجتماع در وجود واحد نیستند و نمی‌شود اطراف شک را در یک امتثال جمع کرد. اینجا به آن می‌گوییم دوران امر بین متباینین، زید یقین دارد روز جمعه یا نماز ظهر واجب است و یا نماز جمعه، اگر بخواهد احتیاط کند و علم اجمالی او منجز باشد با آوردن یک طرف احتیاط محقق نمی‌شود یکبار باید نماز ظهر بخواند و یکبار نماز جمعه تا احتیاط محقق شود. اینجا می‌گوییم دوران امر بین متباینین که امتثال یکی از اطراف شک فائده ندارد همه‌اش را باید بیاورد.

اما گاهی یقین به تکلیف شک در مکلف‌به داریم دو طرف شک در وجود واحد قابل اجتماع هستند اگر کسی بخواهد احتیاط کند همان عنوان اکثر را بیاورد جمع بین هر دو عنوان کرده است. اگر شک ما به صورتی است که با وجود واحد، هر دو عنوان قابل اجتماع هستند به آن می‌گوییم اقل و اکثر. دو مثال:

**مثال اول:** زيد اجمالاً مي‌داند يا نماز نه جزئي بر او واجب است بدون سوره و يا نماز ده جزئي با سوره، شک در مانعیت هم ندارد که در یکی از نکات آن را توضیح می‌دهیم. اينجا احتياط لازم نیست یکبار نماز بدون سوره بخواند و یکبار نماز با سوره بخواند و هر دو طرف را تکرار کند، همین قدر عنوان اکثر را بیاورد احتیاط محقق شده و وظیفه‌اش انجام شده است. بنابراین هر جا که شک به صورتی است که در وجود واحد هر دو عنوان جمع می‌شود می‌گوییم اقل و اکثر.

اقل و اکثر هم به دو قسم تقسیم می‌شود اقل و اکثر استقلالی و اقل و اکثر ارتباطی، اقل و اکثر استقلالی در جایی است که اگر فرض کنیم واقعا اکثر واجب باشد وظیفۀ من باشد، اتیان اقل به تنهائی اثر دارد و به اندازۀ خودش غرض مولا را برآورده می‌کند به همان اندازه وظیفه سقاط می‌شود.

**مثال دوم:** زید نمی‌داند پنج نماز از او قضا شده است یا ده نماز قضا شده است؟ فرض کنید در واقع ده نماز قضا شده باشد، زید اگر پنج نماز بخواند به همان اندازه غرض مولا اتیان شده و به همان اندازه وظیفه ساقط شده است به این می‌گوییم اقل و اکثر استقلالی. یعنی بر اقل به تنهائی غرض مترتب است هر چند در واقع اکثر واجب است. همان اندازه‌ای که انجام بدهد مسقط غرض مولاست.

گاهی اقل و اکثر ارتباطی است، اقل و اکثر ارتباطی این است که غرض واحد است و این غرض هم منحل نمی‌شود و اگر در واقع اکثر واجب باشد مکلف اقل را امتثال کند هیچ فائده ندارد، گویا هیچ کار نکرده است. به این می‌گوییم اقل و اکثر ارتباطی، در غرض مرتبط با یکدیگرند.

**مثال:** شک دارد آیا نماز با سوره واجب است یا نماز بدون سوره؟ در واقع نماز با سوره واجب است، این نماز بدون سوره بخواند فائده ندارد گویا هیچ کاری نکرده است بر خلاف اقل و اکثر استقلالی، بنابراین روشن شد اقل و اکثر استقلالی چیست و اقل و اکثر ارتباطی چیست؟

**نکتۀ سوم:** ما در بحث دوران امر بین متباینین گفتیم به حکم برهان نقلی و عقلی هر جا یقین به تکلیف بود یعنی علم اجمالی منجز داشتیم و شک در مکلف‌به بود با شرائط خودش که اطراف شبهه قلیله باشد با همان مباحثی که داشتیم، لامحاله اصل اشتغال جاری است و احتیاط واجب است این شک و شبهه ندارد، ولی در مباحث اقل و اکثر ما بحث کبروی نداریم اصلا همۀ بحث ما صغروی است، یعنی چه؟ به این معنا که در اقل و اکثر استقلالی که در بادی امر تصور می‌شود یقین به تکلیف و شک در ملکف‌به است وقتی توضیح خواهیم داد روشن می‌شود اینجا از مصادیق شک در مکلف‌به نیست، یقین به یک تکلیف دارید و شک در تکلیف دیگر، یعنی گویا علم تفصیلی دارد ده نماز از او قضا شده است نسبت به پنج مورد دیگر شگ بدوی دارد، آیا پنج نماز دیگر هم از او قضا شده یا نه؟ لذا می‌گویند اینجا شک در مکلف‌به نیست. اصلا علم اجمالی باقی نمی‌ماند یک علم تفصیلی داریم و یک شک بدوی لذا مجرا برائت می‌شود. پس در اقل و اکثر استقلالی همۀ بحث این است آیا موضوعا یقین به تکلیف و شک در مکلف‌به است تا بگوییم احتیاط واجب است یا نه یقین به تکلیف اقل و شک در تکلیف اکثر است تا بعد بگوییم نسبت به تکلیف اکثر برائت جاری است؟

در اقل و اکثر ارتباطی هم همۀ بحث همین است که آیا در اقل و اکثر ارتباطی یقین به تکلیف اقل است و شک در تکلیف اکثر است؟ تا اینجا هم بگوییم برائت جاری است یا نه در اقل و اکثر ارتباطی یقین به تکلیف و شک در مکلف‌به است چون اینها با هم مرتبط هستند نمی‌دانیم تکلیف به نماز نه جزئی یا ده جزئی تعلق گرفته است؟ لذا شک در مکلف‌به است و باید احتیاط کرد.

پس در اقل و اکثر اگر آقایان در مجرای اصول عملی می‌گویند یقین به تکلیف و شک در مکلف‌به باید احتیاط کنیم حرف درستی است. در بحث اقل و اکثر همۀ دعوا صغروی است آیا اقل و اکثر استقلالی و ارتباطی واقعا یقین به تکلیف شک در مکلف‌به است تا باید احتیاط کنیم یا نه یقین به تکلیف اقل و شک در تکلیف اکثر است تا اصل برائت جاری کنیم؟

**نکتۀ چهارم:** احکام اقل و اکثر ارتباط دارد با دو مطلب و دو پیش فرضی که ما در گذشته هر دو پیش فرض را خوانده‌ایم که خواهد آمد.

1. - جلسه 81 – مسلسل 199– ‌‌سه‌شنبه – 12/12/1399 [↑](#footnote-ref-1)